

تحلیلی بر رابطه متقابل توسعه، مهاجرت و شهر نشینی در ایران

* دکتر حمید رضا وارثی

** زهتاب سروری

چکیده

توزیع و پراکندگی جمعیت از چگونگی توزیع امکانات تبعیت می کند با توزیع مناسب امکانات، پراکندگی جمعیت متعادل شده و در نهایت به توسعه پایدار دست خواهیم یافت.

در کشور ایران، توزیع جمعیت متناسب با توانهای محیطی نیست و در جایی مثل تهران بخاطر تراکم بی رویه جمعیت فشار روز افزون بر طبیعت منطقه وارد می شود و در عوض مناطقی وجود دارند که از ظرفیتهای محیطی شان استفاده لازم صورت نمی گیرد، اینکه چرا در بعضی جاها تمرکز بیش از حد جمعیت وجود دارد باید ریشه مشکل را در عدم توزیع بهینه امکانات توسعه در کل کشور دانست.

روش تحقیق در مقاله حاضر توصیفی- تحلیلی بوده و بدین منظور از یکسری شاخصهایی که بتوانند میزان توسعه را نشان دهند استفاده کرده و آنها را در ارتباط با میزان شهر نشینی و مهاجرت مورد بررسی قرار داده است.

با توجه به نتایج به دست آمده مشخص می شود برای رسیدن به توسعه متعادل در سطح کشور نیاز به توزیع امکانات در سراسر کشور متناسب با توانهای ذاتی مناطق می باشد که اجرای این کار اگر چه در کوتاه مدت هزینه بر بوده ولی در دراز مدت اثرات مثبتی خواهد داشت.

واژه گان کلیدی: توسعه، رشد، مهاجرت، برنامه ریزی منطقه ای، شهر نشینی.

* عضو هیئت علمی گروه جغرافیای دانشگاه اصفهان

** کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه اصفهان

مقدمه :

فعالیت‌های اقتصادی ، انواع و مقیاس آنها و همچنین خط مشی های سیاسی و اقتصادی دولت اثرات بسیار مهمی بر توزیع جمعیت دارند (مهدوی ، ۱۳۷۱، صص ۸۱-۷۹). در کشور ما جمعیت و امکانات بر اساس توانهای محیطی توزیع نشده است و به همین خاطر در بعضی از جاها تراکم بیش از اندازه جمعیت وجود دارد و در بعضی جاها از ظرفیتهای لازم استفاده بهینه صورت نمی گیرد و همین امر موجب شده تا از جهتی شاهد مهاجرت از مناطق کمتر توسعه یافته به سوی مناطق توسعه یافته تر و از سوی دیگر شاهد گسترش مادر شهرها و به تبع آن گسترش حاشیه نشینی و مشاغل غیر رسمی در اطراف شهرهای بزرگ باشیم که این امر بدنبال خود مشکلات متعددی را ایجاد می کند که برای کاستن این مشکلات بهترین راه این است که آنرا از ریشه (که همان مهاجرت از مناطق کمتر توسعه یافته میباشد) خشکانده و به تقویت مناطق کمتر توسعه یافته پردازیم برای انجام اینکار نیاز به شناخت دقیق از مناطق مختلف کشور از نظر میزان امکانات می باشد تا برنامه ریزی بر اساس واقعیات مناطق انجام گیرد.

توسعه یک پدیده ی اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی است و بر خلاف رشد، یک امر کیفی است و بالطبع اندازه گیری شاخصهای کیفی مشکل تر از شاخصهای کمی می باشد و به ناچار برای اندازه گیری شاخصهای کیفی باید از مواردی استفاده کرد که قابل تبدیل به شاخصهای کمی باشند.

برای انجام این کار نیاز به شناخت دقیق از مناطق کشور از نظر میزان توسعه و امکانات می باشد. تا از تمرکز توسعه در یک نقطه و عقب ماندگی در جای دیگر جلوگیری بعمل آید.

هر چند مطالعات لازم برای تعیین میزان توسعه ی استانها انجام گرفته ولی رابطه توسعه، شهر نشینی و مهاجرت بررسی نشده است و این تحقیق با بهره گیری از آخرین آمارهای منتشر شده ، در نوع خود جدید بوده و امید است به سهم خود در نشان دادن و کاستن مشکلات کمک کند.

تفاوت رشد و توسعه :

رشد اقتصادی عبارت است از ازدیاد میزان تولید، در حالیکه توسعه اقتصادی علاوه بر افزایش تولید ملی، تغییرات فنی و سازمانی و کیفیت عمل تولید را هم شامل می شود (زمردیان، ۱۳۶۴، ص ۲۰۲). در واقع رشد را به عنوان حرکتی کمی روبه جلو و توسعه را حرکتی کیفی روبه جلو خلاصه کرده اند (ایمانی راد، ۱۳۶۹، ص ۲۳).

اگر چه توسعه یک پدیده عینی اقتصادی - اجتماعی است ولی برخلاف رشد امری پیچیده و چند بعدی است و به سادگی نمی توان با شاخصهای کمی، نظیر درآمد، سرانه، ازدیاد پس انداز و سرمایه گذاری اندازه گیری کرد.

تجربه کشورهای در حال توسعه از سال ۱۹۴۵ نشان می دهد که پیشرفت اقتصادی بدون تغییر و تحول مناسب در نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تقریباً محال است. به عبارت دیگر « توسعه به معنای ارتقاء مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر، و یا انسانی تر است » اجزای خاص این زندگی بهتر هر چه باشد توسعه در کلیه جوامع باید حداقل دارای سه هدف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی باشد (نراقی، ۱۳۷۰، صص ۳۲-۳۰).

در توضیح این دو واژه می توان گفت که هیچ کشوری در جریان رشد و توسعه اقتصادی نمی تواند از تاثیر حوزه های کمی مغناطیسی محیط خود برکنار بماند زیرا در کانون انتشار توسعه و ترقی عواملی موجود است که ممکن است امواج توسعه و ترقی را تحت الشعاع قرار دهد این عوامل ممکن است دو اثر متضاد داشته باشند. یکی موجب تسریع توسعه و دیگری موجب کندی توسعه گردد که مهاجرت از آن عواملی است که هم می تواند تاثیر مثبت و هم تاثیر منفی بر توسعه بگذارد (زمردیان، ۱۳۶۴، ص ۲۲۸).

علل توسعه نیافتگی در ایران :

عوامل متعددی در مشکلات و تنگناهای اقتصادی کشور دخیل هستند که از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد :

- عدم تحرک و پویایی در تولید و سرانه، که این مساله بدنبال خود کاهش نسبی تشکیل سرمایه، افزایش بیکاری، فقر گسترده، تعمیق عقب ماندگی بافت تولید و تداوم رکود اقتصادی را بدنبال خواهد داشت .
- مشکل اقتصادی دیگر ساختار نامناسب تولید است که موجب افزایش بیش از حد خدمات، دوگانگی شدید ساختار اجتماعی در بخش سنتی و مدرن می شود.
- مشکل سوم عدم تناسب سیاست های پولی و بانکی که باعث رشد نقدینگی و تورم می شود .

- مشکل چهارم حدود و نحوه عمل دستگاه اداری - اجرایی (دولت) که ساختار دولت در خدمات رسانی به مردم درست نیست (عظیمی، ۱۳۷۲، صص ۸۸-۱۰۷).

از دیگر مشکلات موجود در توسعه نیافتگی، توزیع نامناسب ثروت در کل کشور می باشد. چنانچه تهران در طول دوره های مختلف سهم عمده ای از سرمایه گذاریها را به خود اختصاص داده و از این طریق مانع رشد در قسمتهای دیگر کشور شده است برای مثال در سال ۱۳۵۵، صنایع تهران با دارا بودن سهمی معادل ۶۴٪ از کل سرمایه گذاریهای صنعتی، ۷۰٪ ارزش افزوده و ۴۰٪ درصد از واحدهای بزرگ صنعتی کشور را به خود اختصاص می دادند و در سال ۱۳۶۰ نیز ۴۰٪ ارزش افزوده و ۶۰٪ درصد افزایش ناخالص اموال سرمایه ای، در صنایع بخش عمومی استان تهران تحقق یافت که این روند به دنباله خود مهاجرت به سوی تهران را افزایش داد. برای مثال طبق آمار سال ۱۳۶۱ حدود ۴۹٪ جمعیت تهران متولد استان تهران و ۵۱٪ متولد سایر استانها و ۲۲٪ ساکنین صرفاً روستایی بوده اند که متأسفانه این نیروی انسانی مهاجر عمدتاً جذب مشاغل خدماتی و واسطه ای شده و باعث مشکلات دیگری از قبیل حاشیه نشینی و مسائل مختلف اجتماعی و می شوند (مشهدی زاده دهقانی، ۱۳۷۴، صص ۱۶۳-۱۸۶).

توجه به توسعه باید براساس درست و اصولی شکل بگیرد باید توجه داشت که توسعه با کالاهای مادی آغاز نمی شود. بلکه با آدمیان و تربیت آنها، با سازمان و با انضباط آغاز می شود. بدون این سه، همه منابع پنهان و دست نخورده و بلا مصرف باقی می مانند.

هستند جوامع پر رونقی که ثروت طبیعی آنها بسیار قلیل است و هر چند در جنگ جهانی آسیب پذیرفته بودند توانستند یک معجزه اقتصادی پدید آورند. اگر بپذیریم که علل اصلی فقر، نارسایی های موجود در این سه حوزه است. ریشه کن کردن فقر اساساً به رفع این نارساییها بستگی دارد چون توسعه وارداتی نیست یک فراگرد تکاملی و تدریجی با دقت و ظرفیت فراوان است (شوماخر، ۱۳۷۲، ص ۱۳۱). به همین خاطر در کشور ما برای رسیدن به توسعه نیاز به برنامه های بلند مدت می باشد و عملاً اینکار در کوتاه مدت میسر نیست.

مهاجرت:

برای مهاجرت تعریف یگانه ای در دست نیست زیرا راه یکسانی برای اندازه گیری وجود ندارد و هنوز هم تعریفی از مهاجرت که فارغ از فرایند اندازه گیری باشد مورد توافق عمومی قرار نگرفته است. ولی به طور کلی مفهوم مهاجرت، در برگیرنده، چهار بعد ویژه است: تغییر در مکان، اقامتگاه، زمان و فعالیت (اوبری، ۱۳۷۰، ص ۴۱).

در تعریفی دیگر مهاجرت، تغییر مکان دائمی یا موقت تلقی می شود و هیچ گونه محدودیتی به مسافت حرکت یا اختیاری و اجباری بودن ماهیت این عمل و هیچگونه تفاوتی بین مهاجرت داخلی و خارجی وجود ندارد (لهسانی زاده، ۱۳۶۸، ص ۶۰).

علل مهاجرت در ایران:

مطالعات انجام شده در ایران علل ترک محل سکونت را اکثراً عوامل مربوط به فقر، بیکاری و عدم درآمد کافی را عنوان کرده اند و در درجه دوم نداشتن امکانات رفاهی نظیر بهداشت، مدرسه و غیره است. مثلاً در شهر شیراز ۴۱/۱ درصد از حاشیه نشینان علت مهاجرت خود را فقر و اداره نشدن زندگی اظهار کرده اند، در شهر تبریز ۵۰ درصد عدم درآمد کافی، و در کرمان ۴۴ درصد پیدا کردن کار بهتر را دلیل عمده

مهاجرت خود اظهار کرده اند . بسیاری از محققین، علل حاشیه نشینی و به طور کلی مهاجرت را در چهارچوب الگوی رانش _ کشش بررسی کرده و به توصیف عواملی نظیر فقر و نبود امکانات رفاهی - بهداشتی و از همه مهمتر کار و درآمد زیادتر در شهر پرداخته اند (لهسانی زاده ، ۱۳۶۸، ص ۲۵۳).

در ایران سه مرحله مهاجرت را می توان تشخیص داد :

یکی از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۲ ، دیگری از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ و سوم از سال ۵۷ به بعد می باشد .

در مرحله اول یعنی از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۲ مهاجرت روندی کند داشته و تنها به چند شهر بزرگ محدود می شد، در این دوره شهرها توانایی جذب مهاجر را نداشته اند و امکانات اقتصادی - اجتماعی شان محدود بود. در مرحله دوم یعنی ۵۷ تا ۴۲ با انجام اصلاحات ارضی در روستا و فراهم شدن زمینه کار در شهر بود که موجب رشد سریع مهاجرت در کشور گردید. در مرحله سوم از سال ۵۷ به بعد، بعضی مسائل مثل مزیت‌های بی حد و حصر در جامعه شهری برای افراد کم در آمد و محروم موجب شتاب گرفتن مهاجرت در این دوره شد (مشهدی زاده دهقانی ، ۱۳۷۴، صص ۱۱۰-۱۰۷).

تأثیر متقابل شهر نشینی ، توسعه و مهاجرت :

در واقع شهرنشینی معاصر در کشورهای در حال توسعه به هیچ وجه ادامه شهرنشینی تاریخی این کشورها نیست بلکه پویایی است که از خارج تحمیل شده و پدیده ای برونزادی است که محصول روابط اقتصادی و اجتماعی این کشورها با کشورهای توسعه یافته صنعتی است که عدم همزمانی سطح صنعتی شدن با سطح شهر نشینی معاصر از تفاوت شهر نشینی کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته است و شهر نشینی کشورهای در حال توسعه بر پایه رشد خدمات شکل گرفته است (عظیمی ، ۱۳۸۱، ص ۴۰).

در کشورهای در حال توسعه اگر چه از نظر میزان شهر نشینی قابل مقایسه با کشورهای پیشرفته است ولی سهم صنعت در جذب نیروی کار در کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای پیشرفته کمتر بوده است و این باعث می شود که با

وجود فراوانی نیروی کار در کشورهای در حال توسعه ، نیروی کار ذخیره آنها از جریان تولید منحرف شود و دیگر اینکه در کشورهای توسعه یافته ، شهر نشینی بارشد کشاورزی و صنعتی همگام بوده است یعنی شهر نشینی در اثر رشد اقتصادی بوجود آمده است و باعث شده که رشد تسریع گردد ولی در کشورهای در حال توسعه شهر نشینی در اثر دفع جمعیت از مناطق روستایی به طرف شهرها بوده است که در نتیجه ی کنترل مرگ و میر ، افزایش طبیعی جمعیت روستاها و عدم قدرت بخش کشاورزی در جذب نیروی انسانی صورت گرفته و موجب تسریع مهاجرت روستایی به شهر شده است . بنابراین رشد شهر بیش از اینکه پیامد بهره وری فزاینده و بالا رفتن معیارهای زندگی باشد مشکلات جذب نیروی کار و شیوه بهره گیری مؤثر از آن را وخیم تر کرده است. (اوبری ، ۱۳۷۰، صص ۳۴-۳۱).

مهمترین تأثیر مهاجرت در جهان در حال توسعه مانند جهان توسعه یافته در شهرهای بزرگ متمرکز گشته است و میزان رشد جمعیت در این شهرها بعضی مواقع تا چهار برابر سطح ملی است. در مورد اثرات سوء ویا مفید مهاجرت بر توسعه منطقه ای و ملی باید به شرایط موجود دقت کرد مثلاً اگر مهاجرت از جایی که دارای نیروی مازاد کشاورزی است به جایی برود که دارای منابع بالقوه قوی و کمبود نیروی کار باشد مفید است ولی اگر مهاجرت موجب انباشتگی جمعیت در یک مرکز شهری شود و از طرف دیگر جمعیت و نیروی کار روستاها تخلیه گردد، این مهاجرت هم در نقطهء مبدأ و هم در مقصد موجب ضرر و زیان شده و باعث بر هم خوردن تعادل منطقه ای خواهد شد (لهسانی زاده ، ۱۳۶۸، ص ۲۵۰).

تأثیر متقابل شهر نشینی ، توسعه و مهاجرت در ایران:

در کشور ایران، در اثر افزایش مهاجرت بسیاری از روستاها خالی از سکنه شده و بسیاری دیگر قسمت عمده ای از جمعیت خود را از دست داده اند . در طول همین سالها مهاجرت جمعیت به نقاط شهری ، رشد بی برنامه شهرها و توسعه بی رویه شهری ، پیدایش شهرها و شهرکها را در نقاطی نه چندان مستعد باعث شده است . اعتدال جمعیت بین شهر های بزرگ و کوچک کشور بر هم ریخته و بین تعداد جمعیت نواحی شهری و روستایی فاصله افتاده و بعضی از مناطق کشور با برخی دیگر تفاوت پیدا کرده

است. در این زمینه نه تنها اعتدال بین نواحی مختلف شهری و روستایی بر هم ریخته، بلکه منابع محیطی نیز در پاسخگویی به نیاز جمعیت از دیدگاه اجتماعی، اقتصادی و طبیعی کارآمد نبوده است (شیعه، ۱۳۸۰، ص ۱۳).

با جذب بخش اعظم درآمد ملی توسط شهری مثل تهران روز به روز بر فاصله میان نقاط شهری باروستاها افزوده شد. تمرکز بیشتر، جمعیت زیادتری را جذب کرد و نیاز به منابع و تسهیلات بیشتر و تأمین و ایجاد این نیازها دوباره به تمرکز بی رویه دامن زد. این امر علاوه بر دامن زدن به بحرانهای شهری باعث ایجاد عدم تعادل منطقه ای شد. اگرچه به قول ژان بودن که در حدود ۲۰۰ سال پیش می گوید: «هیچ ثروت و هیچ قدرتی بالاتر از جمعیت نیست» (زنجانی، ۱۳۷۱، ص ۱۲۰). ولی اگر از جمعیت استفاده بهینه صورت نگیرد، مشکل آفرین می شود برای مثال نا هماهنگ بودن تمرکز جمعیت، تمرکز صنایع و سرمایه ها در تهران با آهنگ کلی توسعه کشور، علاوه بر اینکه تهران را بصورت یک ایستگاه انتقال ثروت به خارج در آورده، فرصتهای پیشرفت و توسعه را نیز از سایر نقاط گرفته است. به قولی رشد بی رویه و لگام گسیخته تهران و شهرهای بزرگ، مصیبت بارترین آثار را در چهار چوب برنامه ریزی ملی و محلی برای کشور فراهم آورده و خواهد آورد. تمرکز جمعیت در یک نقطه یا چند نقطه برنامه ریزی آمایش سرزمین را دستخوش نابسامانی کرده، پیش بینی ها را تغییر داده و عدم تعادل در موازنه توزیع جمعیت در سطح کشور را سبب شده است، این ناهماهنگی در نقاط پر تراکم کشور منجر به فشار فوق العاده زیادی روی زیر بنا و مجموعه زیست محیطی این نقاط شده است (مشهدی زاده دهاقانی، ۱۳۷۴، صص ۱۸۵-۱۸۳).

هر چند بنا بر نظر برخی از صاحب نظران در مراحل از توسعه نیاز به تمرکز امکانات در بعضی نقاط بوده تا توسعه از این نقاط به دیگر مناطق نیز سوق داده شود (spread-Back wash) و معتقد به ایجاد قطبهای رشد می باشند ولی تجربه کشورهای در حال توسعه مخصوصاً کشورهای افریقایی نشان داده است که این نظریه کار آمد نبوده و ایجاد قطب رشد در یک منطقه موجب توسعه مناطق دیگر نمی شود، نمونه هایی از این مورد را در کشور های جهان سوم به فراوانی می توان دید چنانچه در چند کیلومتری پایتخت های کشورهای افریقایی کلاً آثار پیشرفت محومی شود با

اینکه عمده امکانات در پایتخت این کشور ها متمرکز شده است . حتی در کشورهای پیشرفته ای مثل فرانسه عمده تلاشهای برنامه ریزان در جهت رفع تمرکز زدایی از کلانشهر پاریس انجام می گیرد .

برنامه ریزی منطقه ای به عنوان یک راه حل :

احساس نیاز به انجام مطالعات برای برنامه ریزی فضایی و آمایشی و متعاقب آن انجام برنامه ریزی منطقه ای به مثابه هدف نهایی طرحهای فضایی و آمایشی هنگامی بروز می کند که بقولی «تورم توسعه» و یا «تراکم رشد» در برخی نقاط در پهنه سرزمین ملی سبب ساز بروز ناعادلی ها و ناهماهنگی های ناهنجار گردیده و د نتیجه ی سوء اساسی ایجاد می نماید: یکی سیل مهاجرت های بی رویه جمعیت شهری و روستایی از سایر نقاط کشور به سمت «غده رشد» و دیگری عقب ماندگی نقاط دیگر مملکت. (معصومی اشکوری ، ۱۳۷۶، ص ۱۷).

یکی از سیاستهای انتخابی در جهت تعدیل نابرابریهای شهری و ناحیه ای ، سیاست محدود ساختن رشد شهرهای بزرگ و فراهم کردن زمینه های مساعد اقتصادی در شهرهای میانی است. اساس کار در چنین برنامه هایی ، سیاست مکان گزینی بخشهای صنعتی است که باعث استقرار طرحهای جدید صنعتی در حوزه های پیرامون شهر ها می شود. در این سیاست انگیزه های مختلفی برای ایجاد جاذبه های صنعتی در مکانهای جدید بکار می رود که یکی از آنها نیروی کار ارزان در مکانهای جدید می تواند باشد (شکوئی ، ۱۳۷۴، ص ۴۱۱).

تفاوتهای ناحیه ای می توانند جنبه های مختلفی داشته باشند برخی نواحی از نظر صنعتی عقب مانده اند، ولی ممکن است از نظر بهداشت و مسکن وضعیت نسبتاً مناسبی داشته باشند یا بر عکس. از این رو به نظر می رسد برای تشخیص درجه توسعه یافتگی و تفاوتهای ناحیه ای لازم است که از شاخصهای ترکیبی که در مجموع بتوانند سطح زندگی و رفاه مادی و فرهنگی مردم هر ناحیه را نشان دهند استفاده می شود(حسین زاده دلیر، ۱۳۸۰، ص ۲۱۶). به همین خاطر در قسمت بعد شاخصهای مختلفی که بتواند میزان توسعه نسبی استانها را نشان دهد در ارتباط با شهر نشینی و مهاجرت مورد بررسی واقع گردیده تا با تحلیل مقایسه ای این مسأله بین مناطق

مختلف کشور، درک تفاوتها راحت شده و برنامه ریزی بر اساس این تفاوتها باشد
توسعه در استانهای ایران در رابطه با مهاجرت، شهرنشینی و توسعه بررسی می گردد.

جدول شماره ۱: میزان خدمات در استانهای کشور

نام استان در جدول نامگذاری داخلی	کارخانههای سمسور، انبار کارگران و پلا	شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر	خطوط تلفن به ازای هر ۱۰۰۰ نفر	در صد مصرف برق	خودرو داری آب فوله کشی	میزان اشتغال	میزان باسوادی	میزان شهرنشینی	جمعیت کل کشور	خالص مهاجرت
آش	609	6.28	229	3.3	81.6	93.3	75.4	66.2	3378247	-85459
آب	493	4.28	147	2.1	78.1	90.2	69	58.9	2774803	9497
اردبیل	82	1.85	188	0.7	71.5	89.5	73.3	55.8	1204410	-38750
اصفهان	1785	7.13	244	10.4	96.6	89.1	84.7	81.9	4316767	90789
ایلام	20	0.64	142	0.5	92.2	85	76.7	59.5	550970	-4593
بوشهر	38	1.07	189	1.5	84.7	89.7	80.6	55.1	796639	-37423
تهران	2504	18.39	308	20.7	97.9	87.9	88	85.6	11689301	429896
چهارمحال	55	1.27	180	0.7	92.9	84	77	54.9	794077	-32003
خراسان	1037	10.45	190	8.4	86.9	89.3	80.9	63.1	6033708	9357
خوزستان	214	5.01	126	11.1	89.5	82.9	76.9	64.6	4506816	102672
زنجان	172	1.5	154	1.2	86.2	90.9	74.8	52.5	936985	-32881
سمنان	175	0.9	237	1.5	87.4	89.6	84.5	75.4	563959	19316
سردرستان	100	2.16	90	1.5	58.9	78.4	57.3	49.6	2086170	-5887
فارس	267	6.11	170	5.6	98.4	85	81.8	60.7	4135251	-6037
قم	229	1.34	220	1.3	94.5	91.1	81.9	92.4	971280	66831
کردستان	92	2.25	126	1	81.9	78.5	88.3	58.3	1492007	-27006
کرمان	114	3.11	160	4.1	86.8	86.8	78.2	61.4	2215376	4044
کرمانشاه	137	2.67	147	1.4	84.9	83.5	76.6	64.5	1962176	-42828
کهگیلویه	34	0.67	106	0.5	74	84.4	75.5	50.7	627517	-5013
گیلان	540	4.33	177	2.3	52	86.9	79.2	55.1	2310033	-15708
لرستان	119	2.12	110	1.5	84.2	82.1	74.8	57.2	1671706	-57196
مازندران	343	4.44	241	3.1	82.5	91.7	79.5	51	2742885	-24469
مرکزی	520	2.15	188	4.4	91.2	91.6	79.3	65.2	1300778	-4753
هرمزگان	71	1.43	150	4	78.8	85.4	72.8	42.4	1235816	-2717
همدان	198	2.79	159	1.7	82.8	84.6	77.3	55.7	1718627	-42974
یزد	353	1.61	178	2.4	94.6	86.3	83.6	81	902550	16200
میانگین	396.19	3.69	175.23	3.73	84.6	86.8	77.2	62.2	2419956	10680.96
تصرف معیار	573.4	3.81	49.65	4.509	11.29	3.94	6.15	12.02	2361977	95246.55

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، مرکز آمار ایران، خلاصه آمارهای پایه ی استانها در سال ۱۳۸۱ برحسب محاسبات نگارندگان

جدول شماره ۲: شاخصهای استاندارد شده (Z) میزان خدمات در استانهای کشور

شاخص استاندارد شده (Z)	مجموع استان در مجموع شاخص داخلی	کارگاههای صنعتی، انقراض کارکن به بالا	شاغلان، استان و بیشتر	خطوط تلفنی به ازای هر ۱۰۰۰ نفر	در صد مصرف برق	خطوط دارای آب سرد شش	میزان اتصال	میزان شهری	میزان شهرنشین	میزان کل کشور	شاخص استاندارد
آبش	3.53	0.09	0.37	0.68	1.08	-0.09	-0.27	1.64	-0.3	0.41	-1.01
آبج	-2.14	-0.2	0.17	0.15	-0.57	-0.36	-0.58	0.86	-1.34	0.15	-0.01
آردبیل	-3.61	-0.5	-0.55	-0.48	0.26	-0.67	-1.16	0.68	-0.64	-0.51	-0.52
اصفهان	11.23	0.56	2.42	0.9	1.39	1.48	1.06	0.58	1.22	0.8	0.84
ایلام	-3.54	-0.58	-0.86	-0.8	-0.67	-0.72	0.67	-0.47	-0.09	-0.79	-0.16
بوشهر	-1.35	-0.51	-0.62	-0.69	0.28	-0.49	0	0.73	0.55	-0.69	-0.51
تهران	23.21	4.1	3.88	3.88	2.67	3.76	1.17	0.27	1.75	3.92	4.4
چهارمحال	-3.03	-0.58	-0.6	-0.64	0.1	-0.67	0.73	-0.72	-0.04	-0.69	-0.45
خراسان	6.24	0.52	1.12	1.78	0.3	1.04	0.2	0.63	0.6	1.53	-0.02
خوزستان	2.22	1.97	-0.32	0.35	-0.99	1.64	0.43	-1	-0.05	0.68	0.96
زنجان	-2.52	-0.53	-0.39	-0.58	-0.43	-0.58	0.14	1.03	-0.39	-0.63	-0.46
سمنان	3.18	-0.56	-0.39	-0.73	1.24	-0.49	1.13	0.7	1.18	-0.78	0.09
س. و ب. خراسان	-12.33	-0.49	-0.52	-0.4	-1.72	-0.49	-2.28	-2.14	-3.24	-0.14	-0.16
فارس	2.22	0.13	-0.23	0.63	-0.11	0.42	1.22	-0.47	0.74	0.73	-0.18
قم	4.18	-0.5	-0.29	-0.62	0.9	-0.54	0.87	1.08	0.78	-0.61	0.59
کردستان	-7.16	-0.51	-0.53	-0.38	-0.99	-0.6	-0.24	-2.12	-1.45	-0.39	-0.4
کرمان	-0.67	-0.07	-0.49	-0.15	-0.31	0.08	0.19	-0.01	0.16	-0.09	-0.07
کرمانشاه	-2.98	-0.43	-0.45	-0.27	-0.57	-0.52	0.02	-0.85	-0.1	-0.19	-0.56
کهگیلویه	-6.06	0.28	-0.63	-0.79	-1.39	-0.72	-0.94	-0.62	-0.28	-0.76	-0.17
گیلان	-3.22	-0.21	0.25	0.17	0.04	-0.32	-2.89	0.02	0.32	-0.05	-0.28
لرستان	-5.2	-0.44	-0.48	-0.41	-1.31	-0.49	-0.04	-1.2	-0.39	-0.32	-0.71
مازندران	1.75	-0.02	-0.09	0.2	1.32	-0.14	-0.19	1.24	0.37	0.14	-0.37
مرکزی	2.34	-0.25	0.22	-0.4	0.28	0.15	0.56	1.21	0.34	-0.47	-0.16
هرمزگان	-5.24	-0.37	-0.57	-0.59	-0.51	0.06	-0.52	-0.36	-0.72	-0.5	-0.14
همدان	-3.05	-0.43	-0.35	-0.24	-0.33	-0.45	-0.16	-0.57	0.01	-0.3	-0.57
یزد	2	-0.48	-0.08	-0.55	0.06	-0.29	0.88	-0.14	1.04	-0.64	0.06

ماخذ: محاسبات نگارندگان

جدول شماره ۳: رتبه بندی و مقایسه استانها از نظر میزان توسعه و شهرنشینی و مهاجرت

استانهای با توسعه بالا	میزان توسعه (شاخصهای استاندارد شده Z)	استانهای با مهاجرت پایین	شاخص مهاجرت (شاخصهای استاندارد شده Z)	استانهای با شهرنشینی بالا	میزان شهرنشینی (شاخصهای استاندارد شده Z)
تهران	23.21	تهران	4.4	قم	2.51
اصفهان	11.23	خوزستان	0.96	تهران	1.94
خراسان	6.24	اصفهان	0.84	اصفهان	1.63
قم	4.18	قم	0.59	یزد	1.55
آش	3.53	سمنان	0.09	سمنان	1.09
سمنان	3.18	یزد	0.06	آش	0.33
مرکزی	2.34	آبغ	-0.01	مرکزی	0.24
فارس	2.22	خراسان	-0.02	خوزستان	0.19
خوزستان	2.22	کرمان	-0.07	کرمانشاه	0.19
یزد	2.00	هرمزگان	-0.14	خراسان	0.07
مازندران	1.75	ایلام	-0.16	کرمان	-0.07
کرمان	-0.67	مرکزی	-0.16	فارس	-0.13
بوشهر	-1.35	کهگیلویه	-0.17	ایلام	-0.23
آبغ	-2.14	س و بیلوچستان	-0.18	آبغ	-0.28
زنجان	-2.52	فارس	-0.18	کردستان	-0.33
کرمانشاه	-2.98	گیلان	-0.28	لرستان	-0.42
چهارمحال	-3.03	مازندران	-0.37	اردبیل	-0.54
همدان	-3.05	کردستان	-0.4	همدان	-0.55
گیلان	-3.22	چهارمحال	-0.45	بوشهر	-0.6
ایلام	-3.54	زنجان	-0.46	گیلان	-0.6
اردبیل	-3.61	بوشهر	-0.51	چهارمحال	-0.61
لرستان	-5.20	اردبیل	-0.52	زنجان	-0.81
هرمزگان	-5.24	کرمانشاه	-0.56	مازندران	-0.94
کهگیلویه	-6.06	همدان	-0.57	کهگیلویه	-0.96
کردستان	-7.16	لرستان	-0.71	س و بیلوچستان	-1.05
س و بیلوچستان	-12.33	آش	-1.01	هرمزگان	-1.65

ماخذ: محاسبات نگارندگان

جدول شماره ۴ : جدول فرمول همبستگی رتبه ای اسپیرمن

	رتبه خدمات	رتبه مهاجرت خالص	d	d ²	رتبه خدمات	رتبه میزان شهر نشینی	d	d ²	رتبه مهاجرت خالص	رتبه میزان شهر نشینی	d	D ²
آبش	5	26	-21	441	5	6	-1	1	26	6	20	400
ایلی	14	7	7	49	14	14	0	0	7	14	5	49
اردبیل	21	22	-1	1	21	17	4	16	22	17	5	25
اصفهان	2	3	-1	1	2	3	-1	1	3	3	0	0
ایلام	20	11	9	81	20	13	7	49	11	13	-2	4
بوشهر	13	21	-8	64	13	19	-6	36	21	19	2	4
تهران	1	1	0	0	1	2	-1	1	1	2	-1	1
چهارمحال	17	19	-2	4	17	21	-2	4	19	21	-2	4
خراسان	3	8	-5	25	3	10	-7	49	8	10	-2	4
خوزستان	9	2	7	49	9	8	1	1	2	8	-6	36
زنجان	15	20	-5	25	15	22	-7	49	20	22	-2	4
سمنان	6	5	1	1	6	5	1	1	5	5	0	0
سمنان و بروجستان	26	14	12	144	26	25	1	1	14	25	-9	81
فارس	6	15	-7	49	8	12	-4	16	15	12	3	9
قم	4	4	0	9	4	1	3	9	4	1	3	9
کردستان	25	18	7	49	25	15	10	10	18	15	3	9
کرمان	12	9	3	9	12	11	1	1	9	11	-2	4
کرمانشاه	16	23	-7	49	16	9	7	49	23	9	14	196
کهگیلویه	24	13	11	121	24	24	0	0	13	24	-11	121
گیلان	19	16	3	9	19	20	-1	1	16	20	-4	16
لرستان	22	25	-3	9	22	16	6	36	25	16	9	81
مازندران	11	17	-6	36	11	23	-12	144	17	23	-6	36
مرکزی	7	12	-5	25	7	7	0	0	12	7	5	25
هرمزگان	23	10	13	169	23	28	-3	9	10	26	-16	256
همدان	16	24	-6	36	18	18	0	0	24	18	6	36
یزد	10	6	4	16	10	4	6	36	6	4	2	4

ماخذ : محاسبات نگارندگان

تحلیل نتایج :

در این پژوهش، استانها با استفاده از ۹ شاخص اصلی که بتوان با تکیه بر آنها میزان توسعه را مشخص کرد طبقه بندی شده اند و در مرحله بعد، استانها از نظر میزان توسعه و مهاجرت و شهرنشینی، مقایسه شده اند.

در این بررسی مشخص شد که همبستگی بالایی بین میزان توسعه و مهاجرت و شهرنشینی در استانهای کشور وجود دارد که عدد بدست آمده از همبستگی رتبه ای اسپیرمن، رابطه بین میزان توسعه و مهاجرت ۹۹٪، میزان خدمات و شهرنشینی ۱ و میزان مهاجرت و شهرنشینی ۹۹٪ بدست آمد که هر سه مورد نشانگر همبستگی قوی بین هر کدام از رابطه ها می باشد.

رابطه اول نشان می دهد که هر چه میزان توسعه بالا باشد میزان مهاجر فرستی کم بوده و در عوض مهاجر پذیر می شود و در رابطه دوم مشخص می شود که هرچه میزان توسعه بالا باشد شهرنشینی نیز بیشتر خواهد شد و این دو در تقابل با همدیگر هستند و بر همدیگر اثر متقابل دارند و در رابطه سوم که رابطه بین مهاجرت و شهرنشینی را نشان می دهد، باز نشانگر همبستگی بالای بین این دو می باشد. یعنی استانهای دارای شهرنشینی بالا، مهاجر پذیر بوده و بر عکس استانهای با شهرنشینی پایین مهاجر فرست می باشند.

موارد بالا یک حالت کلی را نشان می دهد ولی استثنایایی هم وجود دارند که از روابط فوق تبعیت نمی کنند و باید دلیل آنرا در جای دیگری جستجو کرد. مثلاً استان آذربایجان شرقی با اینکه از نظر میزان توسعه و شهرنشینی جزء استانهای توسعه یافته و سطح بالای کشور محسوب می شود، ولی از نظر میزان مهاجر فرستی مقام اول رادر کشور دارد که این مسأله نشان می دهد که فقط ضعف توسعه نیست که موجب مهاجر فرستی می شود، بلکه عوامل دیگری در این قضیه دخیل هستند که باید در برنامه ریزی مورد بررسی واقع شوند. اگر از این موارد اندک صرف نظر شود در حالت کلی استانهای با توسعه بالادارای مهاجرت پایین و شهرنشینی بالایی هستند. یافته های بالا نشان می دهند که تمرکز جمعیت در کشور از تمرکز خدمات پیروی می کنند.

نتایج و پیشنهادات :

در تمام منابع بررسی شده یکی از مهمترین عامل فقر و عقب ماندگی مناطق ، توزیع نامتعادل سرمایه گذاری در کشور می باشد یعنی تمرکز ثروت وامکانات در یک منطقه ای باعث شده که دیگر مناطق از رشد و توسعه باز بمانند. چنانچه آمارها نشان می دهند ، در چندین دهه میزان سرمایه گذاری که در تهران صورت گرفته است حدود نصف بقیه مناطق کشور می باشد و این تمرکز باعث شده که به قولی « ایرانی ویران گردد تا تهرانی آباد شود » و تمرکز بیش از حد باعث شده علاوه بر اینکه بقیه مناطق از رشد و توسعه باز بمانند ، خود تهران نیز دچار مشکلات عدیده ای شده است به طوری که حتی از نعمت هوای پاک محروم گردیده همه اینها نتیجه سرمایه گذاری ناعاقلانه در سطح کشور می باشد.

نتایج به دست آمده نشانگر آنست که بین میزان توسعه و مهاجرت و شهر نشینی همبستگی بالایی وجود دارد و اگر می خواهیم به تعادل منطقه ای برسیم باید میزان توسعه مناطق متوازن باشد اینکار علاوه بر اینکه عدالت اجتماعی را به دنبال دارد باعث خواهد شد در دراز مدت به توسعه پایدار دست یابیم.

همانطور که قبلاً نیز اشاره شد هر چند بعضی از صاحب نظران ایجاد قطب رشد در مرحله ای از توسعه را لازم می دانند تا توسعه از این قطبها به دیگر مناطق نیز تراوش کند ولی در عمل در کمتر کشوری (مخصوصاً کشورهای جهان سوم) ایجاد قطب رشد باعث تراوش توسعه به دیگر نقاط شده است ، بلکه با تمرکز امکانات در یک نقطه، موجب جذب جمعیت روستایی از دیگر نقاط شده که این جمعیت در اکثر موارد کم سواد و فاقد مهارت لازم برای کار در مشاغل مولد هستند و در نتیجه جذب مشاغل خدماتی غیر مولد و واسطه ای شده و در اطراف شهر های بزرگ شهرک های حاشیه نشین را ایجاد می کنند.

برای بهبود وضع حاضر پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می گردد :

- در برنامه های کلان کشور ، سرمایه گذاری متناسب با استعداد های ذاتی مناطق باشد اینکار باعث می شود مناطق ضعیف نگه داشته شده که توان رشد و توسعه را دارند به مرور زمان در دراز مدت تبدیل به مناطق توسعه یافته شوند این کار به صورت زیر بنایی مشکل را کم کرده و توسعه را در کل کشور متوازن خواهد کرد.

- اداره کشور به صورت غیر متمرکز باشد و به مناطق کشور اختیارات بیشتری در اداره امور خود داده شود چون مناطق از نقاط قوت و ضعف خود آشنایی بهتر داشته و می توانند بهتر از دیگران در برطرف کردن مشکلات مؤثر باشند.

- یک سری ادارات و حتی دانشگاهها و دانشکده هایی که در مرکز کشور و یا استانها واقع شده اند در صورت امکان به مناطقی که می توانند مؤثر باشند انتقال داده شوند و در همان مکان به صورت مستقل اداره شوند و وابسته به مرکز نباشند، این کار علاوه بر امکان تحصیل جوانان منطقه، موجب پیشرفت آن منطقه از لحاظ اقتصادی و اجتماعی شده و بر توسعه منطقه مؤثر واقع می شود.

- ایجاد کارخانجات و کارگاههای کوچک و کمک فکری و فنی از طرف دولت به آنها در مناطق مختلف متناسب با نیازها و شرایط مناطق. این کار توان بالقوه عظیمی در ایجاد اشتغال دارد چنانچه در کشور چین اینکار عملی شده است.

- باز در آخر تأکید می شود بدون سرمایه گذاری متعادل در سراسر کشور امکان توسعه پایدار وجود ندارد و بدون اجرای این کار مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ همچنان ادامه خواهد داشت. چنانچه در بعضی از کشورهای افریقایی حتی با بازداشت کردن و فرستادن آنها به روستاها در این کار موفق نبوده اند، چون مردم در جایی حضور دارند که امکان زندگی بهتر وجود داشته باشد.

منابع

- ۱- اویری، اس. مهاجرت، شهرنشینی و توسعه. ترجمه: فرهنگ ارشاد. تهران: ناشر مؤسسه کارو تأمین اجتماعی. ۱۳۷۰.
- ۲- ایمانی راد، مرتضی. توسعه و برنامه در جهان سوم با نگاهی به تجارب توسعه ایران. تهران: انتشارات پیشبرد، ۱۳۶۹.
- ۳- حسین زاده دلیر، کریم. برنامه ریزی ناحیه ای. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۰.
- ۴- دلاور، علی. احتمالات و آمار کاربردی در روانشناسی و علوم تربیتی. تهران: انتشارات رشد، ۱۳۸۰.
- ۵- زنجانی، حبیب... مجموعه مباحث جمعیتی، جمعیت و توسعه. تهران: نشر مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۱.
- ۶- زمردیان، محمد جعفر. اصول و مبانی برنامه ریزی ناحیه ای. مشهد: ناشر کتابستان مشهد، ۱۳۶۴.
- ۷- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، مرکز آمار ایران. خلاصه آمارهای پایه ای استانها. تهران: ناشر مدیریت انتشارات و اطلاع رسانی، ۱۳۸۱.
- ۸- شکونی، حسین. دیدگاههای نو در جغرافیای شهری. تهران: انتشارات سمت، جلد: اول، ۱۳۷۴.
- ۹- شوماخر، ارنست و فرید، ریک. کوچک زیباست، اقتصاد با ابعاد انسانی. مترجم: علی رامین. تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۲.
- ۱۰- شیعه، اسماعیل. با شهر و منطقه در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۰.
- ۱۱- ضرابی، اصغر. جزوه درسی اصول و روشهای برنامه ریزی منطقه ای. گروه جغرافیای دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۲.
- ۱۲- عظیمی، حسین. مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران. تهران: نشر نی، ۱۳۷۲.
- ۱۳- عظیمی، ناصر. پوشش شهرنشینی و مبانی نظم شهری. مشهد: نشر نیکا، ۱۳۸۱.
- ۱۴- فیندلی، سلی. برنامه ریزی مهاجرتهای داخلی. ترجمه: عبدالعلی لهسانی زاده شیراز. نشر نوید، ۱۳۷۲.
- ۱۵- لهسانی زاده، عبدالعلی. نظریات مهاجرت. شیراز: ناشر نوید، ۱۳۶۸.
- ۱۶- مشهدی زاده دهقانی، ناصر. تحلیلی از ویژگیهای برنامه ریزی شهری در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۷۴.
- ۱۷- معصومی اشکوری، سید حسن. اصول و مبانی برنامه ریزی منطقه ای. صومعه سرا: ناشر مؤلف، ۱۳۷۶.
- ۱۸- مهدوی، مسعود. مبانی جغرافیای جمعیت. تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۱.
- ۱۹- تراقی، یوسف. توسعه و کشورهای توسعه نیافته، مطالعه تحلیلی از جنبه های نظری - تاریخی توسعه نیافتگی. تهران: ناشر انتشار، ۱۳۷۰.